

گزارش مجمع همسوئی که توسط دیپلوم انجینر احمد شاهین

به مجمع عمومی ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و

ترقیخواه ارائه گردید.

بسم الله الرحمن الرحيم

نزدیک به بیست سال قبل ساختار قدرت و همروند با آن ساختار حزب حاکم از هم پاشید. در نبود یک الگوی جانشین روند سلبی نیروهای ترقیخواه بر بستر تاریخ کشور ما آغاز گردید که در آوردگاه زمانی فاجعه ی آفرید که تاکنون در گستردگی و چند سویه گی افغان زمین تداوم دارد.

همراهان عزیز! از آغاز فروپاشی ساختار قدرت و حزب در برابرمه ما پرسشی "کیستی" مطرح گردید. ما کی هستیم؟ در حوزه شناخت و اعتباری همه به دنبال پاسخ به این پرسش بودیم تا در فضای جدید روند هویتی هدفمندانه، غیر ایدلوژیک، عمل گرایانه و باور مندانه شکل گیرد.

با درنگ هوشمندانه به روند ورود فاکتورهای جدید در تحولات بین المللی و نیز بازیگران جدید در این عرصه، چشم انداز مدیریت فرآیند های سیاسی از جمله مدیریت فرآیند پیچیده و چند بعدی سیاسی کشور ما را با مودل های کهن، سنتی و بجا مانده از زمان "جنگ سرد" نه می توان رصد کرد.

به دینگونه بود که درگام نخست بایسته افتید تا هویت جدید در چارچوب الگوی جدید قالببندی شود و با حضور فزینگی، اراده جدید ملی- سیاسی به نمایش گذاشته شود. و جریان دموکراسی و داد نیز بایستی از این مسیر قانونمندانه عبور نماید. اجازه دهید، اعلام بداریم که بدنه بزرگ پویش دموکراسی و داد را همین پوتانسیل که کنون به واقعیت ملموس و انکار ناپذیر جامعه افغانی تبدیل گردیده است، می سازد. گذر ازین عبورگاه این ظرفیت را کنونیت میبخشد.

یاران نستوه! تلاش ها در همین رستا و نه از مرکز واحد، که از مرکز ها و مکانهای چندی صورت پذیرفت. برآیند آن احزاب و سازمانهای امروزی است چنین کثرت، نمودی از ماهیت بحران چند سویه گی کشور ما را به نمایش میگذارد. این تکاپوهای همسو با مراکز نه یگانه به جریان دموکراسی و داد موضوعیت بخشیده که کنون وارد تاریخ کشور گردیده است. اجازه دهید همه یاران نستوه را که این پویش حاصل تلاشهای ریسک پذیر، هوشمندانه و جانبازانه شان است. بستایم. شما لوکوموتیف تاریخ را آگاهانه و شجاعانه به مسیر به حرکت آورده اید، که در سیمای افق آن خوشبختی انسان افغان زمین تلالوئی دارد. افتخار به شما، سپاس به شما.

آری یاران عزیز! از پس این روند پیچیده و مسیر دشوارگذار، سازمان ها و احزاب همسو، گفتمان تاریخی حزب سراسری که توان مدیریت بحران کنونی را به سود لایه های تهیدست جامعه ما داشته باشد و افغانستان را به سوی ثبات و صلح استراتژیک رهبری نموده و آنرا در نظام جدید جهانی به گونه شایسته باز تعریف نموده و در تعاملات جهانی منافع و مصالح ملی را لحاظ نماید. به گونه بایسته احساس نمودند و با این انگیزه ها یکسال و چند ماه قبل "مجمع همسویی و نجات" را به عنوان آغازی برای این آغاز پی ریختند.

مجمع به عنوان کانونی برای گفتمان حزب مدرن، آغازی بود به سوی آغاز فرآیند همسویی، بیسج و یکپارچگی دگر باره، نیروهای دموکرات و دادخواه در سپهر جدید.

این درست است که ما از تاریخ واحد برخاسته بودیم ، ولی پرداختن به سیاست و اشتراک و تمرکز نگاه ها و نگرش های سیاسی-فلسفی سنخ ما به جریان رویدادهایی این برشگاهی تاریخ کشورما به رهکار منطقی نیاز داشت تا نگرش ها و نگاه ها در یک گفتمان واحد جمعبندی شود. همان بود که در یک سال واندی در کانون مجمع این مهم بدست آمد. پرداختن به حزب واحد سراسری در مکانیزم "نقشه راه" و گام به گام میسر است، تا بنیادهای مستحکمی برای آن به گونه ی پی ریزی شود و تا از فرود ها و فرازها و پیچ های زمان مجرب و آگاه بیرون آید تا باشد که بزرگراه تکامل را

درهم کوبد. این همه در مجمع، در چارچوب فرهنگ تساهل و تسامح که نمودار از کرکتریزه شدن دموکراسی درین نهاد است، صورت پذیرفت.

مجمع در گام نخست به عنوان ساختارواره، پلاتفرم ابتدایی و آن زمانی را با میکانیزم کاری به مثابه اسناد تاریخی و کاری خویش تدوین و تصویب نمود تا چارتی باشد برای کنش ها و واکنش ها و ایجاد مناسبات تعریف شده کتشیگران آن در ساحت یاد شده.

مجمع به عنوان فاز نخستین فرآیند ایجاد حزب سراسری ساحتی را فراهم ساخت تا اعضا روی کلیدترین و استراتژییک ترین واژه ها و مقوله ها به بحثو گفتگوی صمیمانه و رفیقانه بپردازند. زیرا نگاهی منسجم به آینده، لزوماً با ورمشترک به ارزش ها را می طلبد که حزبی حاصل این پویش ها جایگاهی ساختاری ما را در فرآیند سیاسی کشور به گونه بایسته سامان می بخشد. و همین ظرفیت استراتژییک آن توانایی را نهادینه می سازد تا به موقعیت های پیچیده پاسخ خلاق دهد که در ادبیات سیاسی امروزی و مدرن آنرا "بلوک هژمونیک" می گویند. یعنی نهادیکه بر پایه پدیده های ارزشی شکل می گیرد و به علتی کار آمدی، پویایی، انحصاری نه بودن، و ظرفیت چشمگیری پذیرش دگرگونی و نقد و نو آوری، مرجع قرار می گیرد.

و اما اینکه چرا به واژه های کلیدی در مجمع پرداختیم؟ زیرا در تبارواژگانی، فحوای دانشی و مدنی وجود دارد. کلمات، نقشی از مناسبات زیست بشر در ادوار و حوزه های مختلف را باخود حمل میکند، زیرا امر تاریخی و اجتماعی است و نمی توان هر واژه واقعاً موجود را به آسانی تغییر داد، بلکه می توان آنرا تعریف مجدد کرد. یاران! بدینگونه بود است که باز تعریف واژه هایی از تبار استراتژییک، مناسبات زیست ما را در کنویت به نمایش می گذارد. این واژه ها نه اینکه در جلسات مجمع، بل در دیدارهای نماینده گانی از جلسات مرکزی مجمع با رهبری و کادرهای احزاب و کارگاهی تاریخی آن مورد بحث و تأویل اکادمیک قرار گرفت.

رفقای عزیز! اجلاس بزرگ که به اشتراک فعالبیش از ۵۰۰ عضو و کادرهای احزاب و سازمانهای همسو در ماه اسد ۱۳۹۰ خورشیدی توسط اجلاس مرکزی مجمع تصدی شد، نیز در باز تعریف همین مفاهیم و مقوله ها در پیوند تنگاتنگ شناخت از خویش و تبار ما در امروزین، نقش مهم و تاریخی داشت و ما را با دیدگاه ها، گرایشها و مطالبات ظرفیت ما آشنا ساخت و ما را به این جمعبندی رساند که کنشهای درونی مجموعهء ما باید با شناخت از واقعیت های ذاتی جامعه افغانی بر بستر همگرایی ها منطقی مدیریت شود، تا محور تصمیم گیری در پیوند با آن به گونهء بایسته سامان یابد و سالاری بر خود را به شایسته گی تمرین نمایم.

دریافت ما از اجلاس یاد شده این بود که ماهنوز به بحث، تفاهم و کنکاش بیشتر نیاز داریم، بدینگونه بود که بستر بحث کلیدی کماکان هموار ماند تا به این زمانی رسیدیم.

ورکشاپ ماه میزان ۱۳۹۰ خورشیدی که به اشتراک بیش از ۳۰۰ کادر احزاب شامل مجمع برگزار گردید، اشتراک کننده گان در پنج گروه کاری به کنکاش آکادمیک و سیاسی واژه های کلیدی با ژرف نگری پرداختند. چگونگی شناخت ما از حزب سیاسی مدرن، پایگاه اجتماعی، نگاه اندیشه یی آن و چگونگی راهکارهای انتخاباتی حزب مدرن سیاسی و غیره نقادانه و پویا به بحث گرفته شد که به درک اکتسابی مجموعهء ما تبدیل گردید بر همین نیاز بود که حزب مدرن، دموکراسی، نظام اقتصادی و سیاست خارجی کشور نیز بعداً" مورد بحث نقادانه و شناختی قرار گرفت. این پرداخت کنشگرانه ما را به جمعبندی رساند که با ماهیت شناختی مجموعه مادر پیوند تنگاتنگ است. دریافت ها و گرفته های تجربی و اندیشه یی همه سوها در این گفتگو با هم آمیختند که جمعبندی از نگرش ها و اندیشه های بدست آمده، مناسبات امروزین ما را در حوزه سیاسی و ساختار حزب مدرن بازتاب می دهد. کیستی ما نیز با همین واژه ها و مقوله ها کلیدی می خورد.

همراه هان ! نگاه ها و دریافت های مشترک و انتزاع علمی ما را با انسجام برای پرداختن به سیاست و اشتراک پویا و یکپارچه در فرآیند سیاسی کشور، در چارچوب ساختار واحد آماده می

سازد. در روند گفتگو چیزهای زیادی را از همدیگر آموختیم و همروند با آن فضای فروپاشی را در یک میکانیزم ادراکی و آموزنده پشت سر گذاشتیم. یعنی از سکت عاطفه به سکت عقلانیت و خردورزی گذر نمودیم، به قول معروف ، به بلوغ و بودن رسیدیم. زیرا تمدن جدید که احزاب سیاسی مدرن ره آورد آنست، به روی عقل خود بنیاد انسان بنا شده است. ایجاد حزب مدرن و اشتراک دواطلبانه در آن بر اساس عقل خود بنیاد و ارزشهای مشترک رقم می خورد. زیرا حزب سیاسی مدرن نه تنها به شمار اعضا، بل به افزایش تعداد رای دهنده گان نیز بسیار می اندیشد که بر پایه کمرنگ شدن شگافهای ساختاری، کاهش شگافهای ایدئولوژیک و در پی آن کمرنگ شدن عنصر ایدئولوژیک در آن ، شکل می گیرد. حزب سیاسی مدرن، سخنگوی شگافهای اساسی و ساختاری در جامعه است، یعنی نا برابریهای که در توزیع ثروت و قدرت در گستره جامعه درونی شده اند، حزب سیاسیرا به عنوان بازیگر در عرصه سیاست مورد پذیرش حقوقی و ساختاری نظام سیاسی قرار می دهد.

گفتمان دموکراسی نیز در مجمع یکی از موارد کلیدی و کانونی بود که مجمع به آن علمی و تجربی پرداخت. زیرا دموکراسی در هر جامعه بستر ملی تاریخی خود را دارد. دموکراسی به عنوان یک نظام بایسته سیاسی-اقتصادی ویژه گی های دارد که در ساحت ملی کشورها قابلیت وجودی را آن زمان می یابد تا با ارزش های تاریخی آن در تقابل قراز نه گیرد. در سامانه دموکراسی مردمی بودن گوهر و خاستگاه قدرت، شالوده مشروعیت آن را می سازد. راهکارها و مکانیزم های کنترل مردمی دموکراسی را در یک جامعه ریشه یی و پایدار می سازد. چی نیروهای بین ساختاری که همان شبکه جامعه مدنی است، اهرم دموکراسی اند. جامعه مدنی یک جامعه آزاد است که در آن گروه ها و نهاد ها با دیدگاه های گوناگون مشارکت دارند، احزاب سیاسی، بدنه بسیار آگاه و پویای آن را میسازد. بنیادیتترین خصیصه ی جامعه مدنی آن است که موجب ترویج اصل تعادل میان دولت و ملت می شود. جامعه مدنی، ضامن حجیم نشدن دولت و تحمیل نشدن

اقتدار حکومتی به عرصه های مشارکت مردم است. جامعه مدنی بایستی هژمونی اش را بر اقتصاد و دولت استوار کند و در دراز مدت دولت و بازار را اجتماعی سازد.

و در نهایت دموکراسی بخشی از توسعه سیاسی است که نبایستی نابرابریها را در جامعه افغانی نهادینه سازد. دموکراسی همراه با عدالت در حوزه های سیاست و اقتصاد ویژه گی های است که در کشور ما ساحت وجودی می یابد. و دموکراسی آن نردبانی است که نمی توان پس از پیروزی آن را برداشت و برای مدت طولانی به قدرت چسپید اما آنچه امروزه در کشور داریم در تناقض صریح و برهنه با ارزشهای بنیادی دموکراسی قرار دارد، که می شود از دید وجودی آنرا موبوکراسی یا غوغاسالاری نام نهاد.

صورت بندی اقتصاد بازار، به عنوان ساختار اقتصادی برای کشور ما اهمیت استراتژیک دارد. اما با این ویژه گی که روند گذار به اقتصاد بازار و توسعه اقتصادی نه باید به مثابه صفحه تار یکی باشد که در آن به افزایش شگاف ساختاری دامن زده شود. رشد اقتصادی در چارچوب اقتصاد بازار نه باید تنها به رشد شاخصهای کمی اقتصادی منجر شود. بل جنبه هایی کیفی اقتصادی همچون کاهش فقر، نابرابری و بیکاری را نیز در بر گیرد. زیرا رشد پایدار ارتباط مستقیمی با توزیع عادلانه در آمدها دارد. و توسعه اقتصادی باید به ایجاد شغل و اشتغال زایی و شناخت و بهره گیری از منابع در فرآیند رشد دراز مدت بپردازد.

در جامعه انسانی رقابت در بازار به مفهوم مبارزه برای بقا در دوران پیش از تاریخ نیست، بلکه سازماندهی درست اجتماعی استوار بر اصول اخلاقی و قانونمند است، رقابت تنها ویژه گی اصلی و مرکزی بازار نیست، برجسته ترین ویژه گی بازار، هماهنگی گزینشهای آزاد است و آنچه آزادی در اقتصاد را از آزادی در جنگل جدا میسازد، حاکمیت قانون است، تقابل نیروهای بازار در چارچوب معینی قانونی و نهادی صورت می گیرد. که مسلماً "حضور دولت با کیفیت نه تمامیت خواه را با مالکیت بر سرمایه های استراتژیک و مکلف به انجام خدمات اجتماعی که تضمین برای حاکمیت قانون در قلمروی اقتصادی و بازار است در حوزه یاد شده الزامی می سازد.

به بیان دیگر اقتصاد بازار به معنای آزادی عمل بی حد و مرز نیروهای اقتصادی نیست، بلکه بدان معناست که قانونهای معینی در کار است تا نیروهای بازار بر پایه آن ها رفتار کند. که حضور دولت با کیفیت و کار آمد ، نا توتالیترو ورشکسته را با مالکیت بر سرمایه های استراتژیک انجام خدمات اجتماعی در حوزه اقتصادی را به عنوان تضمینی برای حاکمیت قانون در قلمرو یاد شده الزامیت می بخشد.

رفقای عزیز! سیاست خارجی افغانستان و دیپلماسی خارجی آن نیز وارد گفتمان مجمع گردید. حاصل گفتگوهای یک سال و اندی یاران مجمع سیاست خارجی افغانستان را بدین گونه جمع بندی نمودند:

نظام ژئوپولیتیک جهان بار دیگر رو به تثبیت و شکل گیری دارد، همروند با آن در آوردگاه جهانی، منطقه ما نیز رو به سوی انسجام و باز تعریف دارد. در این گستره افغانستان عزیز ، کشور ما نیز یک جغرافیای سیاسی است، بدین معنا که روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنشهای ناشی از آمیزش آنها را گره می زند. یعنی افغانستان محل تلاقی اور آسیا است، که با تعامل با آن همواره می توان در تعاملاتحوزهء کشور های مستقل مشترک المنافع ، چین، هند، ایران، و پاکستان حضور پویا داشت. ولی به دلایل عدم درک این پارامتر، از سده نهم تا کنون کشور ما، بزنگاهی برای تقابل قدرتهای جهانی و منطقه یی گردیده است. که در این آوردگاه افغانستان به عنوان وارد کننده قدرت نه صادر کننده آن در فرآیند کشمکش های تعمیم و سر ریز قدرت نمودار گردیده است.

ثبات در کشور ما با همین متغیر ها کلید می خورد. در گفتمان مجمع بر آن شدیم که کشور ما برای عبور از بحران فزاینده کنونی، به سیاست خارجی متنوع و متعادل نیاز داشته و به عنوان کشور بیطرف با ضمانت شورای امنیت بایستی برسمیت شناخته شود. دیپلوماسی خارجی باید درین راستا هوشمندانه مهندسی و عملیاتی شود.

همراهان عزیز! مجمع برای درک بهتر یاران خارج کشور چار تماس پالتاکی و اسکایی به یمن فضای انترنتی را سازمان دهی نمود. در این روند ما با نگاه ها و گرایشهای یاران آن سو آشنا گردیدیم. که نکات مشترک از نگاه های آن یاران با عضای مجمع در پلاتفرم نهائی ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه بازتاب روشن دارد.

یاران گرامی! مجمع از آغازین بوده گی خویش تا کنون از گذرگاه های پر چالش و دشوار گذار گذشت. شماری اندکی از عضای مجمع که از آغاز کار مجمع با ما همراه بودند به دلایل نامعلوم، مبهم و سوال برانگیز در زمانی که مجمع وارد فاز دوم می گردید ما را ترک نمودند. از جمله می توان حزب مجمع فعالین صلح و حزب ترقی افغانستان را در این عملکرد یاد کرد. حزب متحد ملی به دلیل اینکه اصول تشکیلاتی ائتلاف را نقص کرد و بدون مشورت با عضای مجمع وارد ائتلاف ملی گردید از این روند کنار گذاشته شد. زیرا فقره ی سوم احکام عمومی اصول تشکیلاتی ائتلاف چنین است: "اعضای ائتلاف نمی توانند همزمان در ائتلاف و جبهه دیگر به صورت انفرادی عضویت داشته باشند."

و اما در باره مسودهء پلاتفرم: نخستین مسودهء پلاتفرم به وسیله ی کمیسیون موعظف از سوی مجمع تدوین و به دسترس عضای مجمع قرار داده شد، توافق گردید که مسودهء یاد شده باید در سطح رهبری های احزاب و ساختارهای شامل آن مورد مطالعه و ژرف نگری قرار گیرد و دیدگاه ها و نظریات تکمیلی شان به طور رسمی ارائه گردد. بدینگونه بود که احزاب و ساختارهای یاد شده نظریات و دیدگاه های شان را در جلسات متعددی مجمع ارائه نمودند. بر مبنای دیدگاه های عضای مجمع مسوده های دوم، سوم و چارم تنظیم گردید که سر انجام در جلسه تاریخی سوم جدی ۱۳۹۰ خورشیدی مجمع همسوئی با در نظرداشت جمع نظریات و دیدگاه های یاد شده مسودهء نهائی پلاتفرم آماده گردید که اینک در دسترس شما یاران عزیز قرار دارد.

رفقای گرامی! کیستی و هویت ما سر در آبشخور این سند تاریخی دارد که ما را به مثابه دموکراتهای ملی، ترقیخواه و داد خواه نمود می بخشد. کنون با اعلام این ائتلاف بزرگ و تاریخی

این موجودیت در زیر و بم شریانهای زنده گی سیاسی افغانستان جریان یافته است. که هستی
شناسی ما همچنان در آن ریشه دارد.

باسپاس از توجه شما.